

صنایع نفت و گاز، نبضی که کند می زند!

● سهیل آل رسول - عضو هیأت مدیره کانون مهندسان فارغ التحصیل دانشکده های فنی تبریز

از ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ تحریم های بین المللی برای مدت طولانی تری ادامه یافته بود زیربنای اقتصادی خودکفا در پس عزمی ملی و مردمی شکل می گرفت و بدنه جامعه به تزریق مداوم دلارهای نفتی عادت نمی کرد تا این که اکنون و در دهه ششم سایه ای این چنین بر تمام ارکان اقتصادی کشور داشته باشد .

فارغ از تمام تلاش ها ، سیاست ها و مشکلاتی که در راستای استقلال اقتصادی از درآمدهای نفت و گاز وجود دارد. در این فرصت کوتاه به مشکلات مستقیم در این حوزه اشاره می کنیم چرا که تجربه درآمدهای بیشتر نفتی و انباشت یا مصرف آن در صندوق ذخیره ارزی طی یک دهه گذشته ثابت کرده است که ریشه مشکلات ما در تفکر و راهبرد دستیابی به اهداف مان است و نه صرفاً پول و سرمایه گذاری .

برای سال های متمادی پس از ملی شدن صنعت نفت، اقتصاد کشور نه تنها به سوی تک محصولی بودن گرایش یافت که ایده و تفکر این صنعت نیز برمبنای غلطی توسعه یافت و در حقیقت فراموش شد که در جهت استحصال و بهره دهی موثرتر، این بخش نیز نیازمند سرمایه گذاری و توسعه زیرساختی است . نتیجه بهره برداری مستمر بدون برنامه ریزی ، سرمایه گذاری و احداث صنایع پایین دستی و تبدیلی است که امروز گریبان گیر ماست. مصرف بالای انرژی هرچند سال ها به عنوان شاخص توسعه یافتگی تلقی می شد لیکن در ایران شاخصه دیگری یعنی اتلاف انرژی برآن سایه افکنده است. برآیند رشد نیافتن فرهنگ مصرف انرژی و فقدان سرمایه گذاری های مناسب، ایران را با بزرگترین مخازن نفتی و گازی جهان به عنوان وارد کننده بزرگ بنزین معرفی می کند که افزون بر چالش های اقتصادی ما را از نظر استراتژیک و امنیت انرژی نیز آسیب پذیر کرده است .

قریب به ۳۰ میلیون لیتر مصرف روزانه بنزین یا رانه ای سالانه ۵ تا ۶ میلیارد دلار بار مالی به بودجه کشور وارد می کند و دلارهای نفتی را نیامده با خود می برد . اما این تنها رونمای معضلات است و برای ریشه یابی مشکلات نباید

هرچند قریب به یک ماه از روز ۲۹ اسفند یعنی پنجاه و ششمین سالگرد ملی شدن صنعت نفت می گذرد، لیکن تأخیر ما در انتشار پیام باعث نمی شود که به این مقوله مهم و تأثیر گذار در صنعت و اقتصاد کشور بی توجه باشیم. اگر چه تمام تلاش کانون و تحریریه پیام در راستای رشد و اتقای کمی و کیفی و نظم و توالی انتشار این فصلنامه علمی و راهبردی است، لیکن لازم است تا پیام از حمایت بیشتر همدانشکده ای ها خصوصاً اساتید دانشکده های فنی تبریز برخوردار باشد. این مهم با توجه به گسترش روزافزون مخاطبان تخصصی پیام جنبه ای جدید می یابد و در این راه از هیچ کوششی نباید فروگذار نمود. تأخیر یک فصل انتشار، متأثر از برگزاری موفق "دومین همایش جامعه مهندسی و دستاوردهای صنعت حمل و نقل" و "دومین همایش روز مهندس" بود .

با این وجود انتشار این دو شماره مقارن با برگزاری سومین کنگره ملی مهندسی عمران در دانشکده مهندسی عمران تبریز شده است که با توجه به همکاری های گسترده کانون و دانشکده عمران در این امر، آن را به فال نیک می گیریم. در این شماره افزون بر مصاحبه استراتژیک در خصوص چشم انداز صنعت نفت و گاز، گزارش های مختلفی از همایش های حمل و نقل ، روز مهندس و فعالیت های انجام شده برای برگزاری هرچه بهتر سومین کنگره ملی مهندسی عمران ارائه شده است . همچون شماره های پیشین، مقالات علمی و مهندسی برگزیده ای ارائه شده و بنابر رسالت پیام سهم ویژه ای از مقالات پیام به مقالات بین گرایشی و مدیریتی اختصاص یافته است .

حوزه نفت و گاز به عنوان تأثیر گذارترین عامل بر اقتصاد و صنعت کشور در شرایط فعلی از اهم موضوعات راهبردی قابل طرح است . در اقتصاد بیمار امروز ما که محصول سیاست های چندین دهه گذشته و تفکر غالب ماست، نفت و گاز نبض اقتصاد و عمده ترین صنعت فعال کشور است. شاید متفکران حوزه صنعت یا اقتصاد بارها با خود اندیشیده اند که اگر پس



در این سطح باقی ماند.

شاید عمده ترین مشکلات فعلی حوزه نفت و گاز شامل کمبود سرمایه گذاری، چه در بخش استخراج و چه در صنایع پایین دستی، بستر نامناسب جذب سرمایه گذاری های خارجی، استیلای عمومی تصمیم گیری های سیاسی بر اقتصاد نفت و گاز و در نهایت جوسازی های بین المللی باشد که هر یک به نوبه خود موضوع چندین مقاله تخصصی است. در این میان شاید اهمیت استراتژیک کلیه مسائل مرتبط با حوزه نفت و گاز باعث شده که تصمیم گیری های آن نه در کشور ماکه در تمام دنیا بیشتر جنبه سیاسی به خود بگیرد تا مالی و اقتصادی. متأثر از این فضا در داخل کشور، انتخاب مدیران مرتبط یا مجریان پروژه های نفت و گاز، بیشتر سیاسی بوده است و طی این سال ها همواره از مافیاهای نفتی سخن به میان آمده است که عملاً با ماهیت یک بنگاه اقتصادی تناسبی ندارد. بنگاهی که با تولید بیش از ۴ میلیون بشکه نفت در روز و ذخایر تخمینی شناخته شده ۲۷ میلیون مترمکعب گاز می توان و باید سهم بیشتری از بازارهای مالی و تصمیم گیری های بین المللی در این حوزه را به خود اختصاص بدهد.

معادل همین معضل در عرصه جهانی برای کشورهای نفت خیز وجود دارد، خصوصاً که متأثر از تقابل های سیاسی مختلف برخی کشورها با جوسازی و ایجاد آرایش تقابل، فضای سرمایه گذاری و توسعه را تنگ تر می کنند. بنابراین، افزون بر دشوار شدن فرایند سرمایه گذاری در پروژه های فراملی، انتقال دانش و تکنولوژی نیز سرعت کندی به خود می گیرد که در پروژه های رقابتی چون حوزه های مشترک گازی پارس جنوبی با قطر یا خطوط لوله انتقال گاز به هند و پاکستان و یا آذربایجان مزیت های نسبی ما را از میان برداشته یا به کندی نمایان می کند.

به شرح فوق از این پس باید مسأله تحریم ها را به نحو جدی تری مورد ارزیابی قرار داد چرا که از دیدگاه کلان، جهت برون رفت از شرایط فعلی و ایجاد توان رقابتی مناسب کشور نیازمند قریب به ۱۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری سالانه در این حوزه است در حالی که جذب سرمایه های محقق شده بین المللی در تمام این سال ها که صنایع نفت و گاز جان تازه ای گرفته است، شاید از مرز ۳۰ میلیارد دلار تجاوز ننماید. با این وجود توفیق در جذب سرمایه های خارجی هر چند زمینه ساز موفقیت های اقتصادی و سیاسی در عرصه ملی است، لیکن باید کوشید با توسعه مزیت های ذاتی، پروژه های این بخش را از جولانگاه تقابل های سیاسی، بین المللی و داخلی به منطقه ای امن و با ثبات برای سرمایه گذاری تبدیل کرد.

سیاست های کلی در جهت استفاده از توان بومی، تخصصی و پیمانکاران داخلی راهبرد کاملاً موثری است که همانند صنایع بزرگی چون سد سازی، راه و راه آهن و یا اکتشاف، زمینه های مستعدی برای خود کفایی را تداعی می کند لیکن این توان کافی نیست خصوصاً که عمده این پیمانکاران خصوصی یا اصولاً بنگاه های مالی و صنعتی بخش خصوصی متأثر از حضور مجموعه های مرتبط به بدنه بودجه عمومی، ضعیف می شوند و یا توفیق کمی در توسعه و تجهیز دارند.

برخلاف تمام آنچه بعنوان پایه مشکلات موجود در راه توسعه صنایع نفت و گاز ایران بیان شد، نباید مزیت های ویژه ذخایر نفت و گاز ایران را از نظر دور داشت زیرا در عرصه بین المللی طی سال های اخیر امنیت انرژی، محوری ترین بخش امنیت ملی کشورها محسوب می شود و راهبردهای جایگزینی سوخت های فسیلی طی ۲۰ سال آینده عملاً سهم قابل توجهی از کل نیاز به انرژی را فراهم نمی آورند. بنابراین و در شرایطی که امنیت و منافع

ملی کشور به ایفای نقشی فعال در تأمین امنیت جهانی انرژی مرتبط می شود، باید با برنامه ریزی و عزم جدی بر مشکلات فائق آمد چرا که بنابر اغلب برآوردها و مطالعات، منابع نفتی دریای شمال، آمریکای شمالی، روسیه و شمال آفریقا تا ۳۰ سال آینده رو به اتمام است و این، ذخایر نفت اوپک و خصوصاً کشورهای خاورمیانه را در موقعیت ممتازی قرار می دهد. آنچه در راه توسعه صنایع بالادستی و تبدیلی نفت و گاز می تواند حائز اولویت باشد زمینه سازی جذب جدی تر سرمایه گذاری های بزرگ تر است که افزون بر توسعه بسترهای موجود، نیازمند آرامش سیاسی و تأمین ایمنی سرمایه گذاری در منطقه است و عدم وجود چنین زمینه هایی باعث می شود پروژه های پیچیده تر کشورهای رقیب با سرمایه گذاری بیشتر و سود دهی کمتر توجیه منطقی پیدا کند که در صورت تکمیل این طرح ها در حوزه خلیج فارس یا دریای خزر خسارت های جبران ناپذیری به منافع ملی وارد می آید. دیگر موقعیت ممتازی که نباید از نظر دور داشت، ذخایر عمده گازی کشور است که به عنوان دومین کشور دارای مخازن عمده گاز طبیعی دنیا معرفی می شویم و همراه با کشور قطر دارای ۳۰ درصد ذخایر مجموع دنیا هستیم از سویی برابر برخی برآوردها طی ده سال آینده رشد مصرف گاز ۲ برابر نفت خواهد بود که بر اهمیت موضوع می افزاید بنابراین عنایت ویژه و برنامه ریزی کلان در بخش گاز به دلیل وجود توأم مزیت نسبی و مخاطره استحصال از منابع مشترک با کشور قطر کاملاً جدی است زیرا که حراست از منافع ملی و دستیابی به موقعیت ممتاز منطقه ای و بین المللی در گرو چنین سعی و کوششی است.

در مجموع هر چند نگاه به صنایع نفت و گاز طی ۱۰ سال اخیر تغییر شگرفی داشته است لیکن سیاست های کلان اقتصاد نفت و گاز متأثر و اثرگذار بر سیاست های کلان دولت است. افزون بر مباحث خاص امنیت سرمایه گذاری که اشاره شد دو موضوع دیگر نیز نباید از نظر دور داشته شود، اول مبحث یارانه انرژی است که ناگزیر مقوله اتلاف انرژی را نیز در برمی گیرد و دوم جایگاه و سهم بخش خصوصی از تولید ناخالص داخلی است که با وجود عزم و تبلیغ روند کوچک سازی بدنه دولت عملاً نتایج حاصله منجر به ضعف روز افزون این بخش شده است.

اهمیت این دو موضوع به عنوان عوامل خارجی در اقتصاد نفت و گاز غیر قابل انکار است. تنها طی ۲ سال اخیر ۲۰ - ۲۵ درصد کل تولید ناخالص داخلی به پرداخت یارانه نفت و گاز اختصاص یافته و علی رغم تمام مشکلات ناشی از واردات بنزین، هنوز هم نتیجه عینی جهت افزایش قیمت، سهمیه بندی یا کاهش تقاضا حاصل نشده است که به نوبه خود اتلاف انرژی را به نحو وحشتناکی بالا نگاه داشته است. اما در خصوص رشد سهم بخش خصوصی اقدامات فعلی کافی به نظر نمی رسد زیرا واگذاری شرکت های دولتی و دارایی های آن به صورت مستقیم با توجه به ظرفیت های موجود مالی و اعتباری در بخش خصوصی، به تنهایی نتیجه بخش نیست. متأسفانه برداشت و استفاده مستقیم از دلارهای نفتی در بودجه جاری کشور باعث شده تا بدنه دولت به عنوان تنها کارفرمای جدی پروژه های بخش خصوصی، خود را از تولید ناخالص بخش خصوصی و مالیات بر درآمد آنها بی نیاز بداند که این امر می تواند به کاهش توان فنی و مالی بخش خصوصی و ورشکستگی عمومی منجر شود و نتایج آن نه تنها صنایع نفت و گاز که تمام ارکان تولید و توسعه کشور را تحت تأثیر قرار می دهد.

